

شهيد علي غلاميان



سامانه جامع سرداران و دو هزار شهيد استان بوشهر

محمد جعفر	نام پدر
۱۳۲۶/۰۸/۲۶	تاریخ تولد
بوشهر - دشتستان	محل تولد
۱۳۶۶/۰۸/۲۶	تاریخ شهادت
بوشهر	محل شهادت
-	مسئولیت
سایر (بمباران)	نوع عضویت
کارگر نیروگاه	شغل
دوره ابتدایی	تحصیلات
نظر آقا	مدفن

زندگینامه

زندگینامه شهید

زندگینامه شهید علی غلامیان

شهید علی غلامیان فرزند محمد جعفر در سال ۱۳۲۶ هجری شمسی در روستای نظر آقا از توابع شهرستان دشتستان دیده به جهان گشود او در کودکی در دامن پدر و مادری مهربان و مذهبی پرورش یافت با نماز و بعضی از احکام شرعی آشنایی یافت و قبل از ورود به مدرسه در مکتبخانه روستا قرآن را فرا گرفت و در سن شش سالگی راهی دبستان گردید و چون در این موقع پدر و مادر خود را از دست داده بود همه بار زندگی بر روی دوش او افتاده بود به همین لحاظ وی ترک تحصیل نمود و مجبور و کشاورزی جهت ادامه زندگی گردید شهید غلامیان در سال ۱۳۴۸ طی مراسمی بسیار ساده و تشکیل مجلس جشن عروسی کرد که حاصل آن چهار پسر و سه دختر می باشد وی در راهپیمائی هایی که بر علیه سفاک پهلوی انجام می شد شرکت فعال داشت او عاشق امام بود و به او عشق می ورزید اما ایشان همزمان با شروع کار شرکتهای و بعد از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی شب و روز در بسیج فعالیت می کرد و تا از این روش از دست آوردهای انقلاب دفاع کرده اما با پیروزی انقلاب اسلامی برای کار و فعالیت به نیروگاه اتمی بوشهر رفت . همزمان با جنگ تحمیلی نیروگاه اتمی بوشهر مرتباً مورد تهدید و حمله دشمن قرار می گرفت تا این که در مورخه ۲۶/۸/۶۶ در حین انجام وظیفه ناگهان مورد حمله هواپیماهای عراق قرار گرفت و در اثر بمباران هوایی نیروگاه مورد اصابت ترکش قرار گرفت و شربت شهادت نوشید

خاطرات

ویژگیهای شهید علی غلامیان

از دوران پیش از تولد او چیز خاصی به یاد ندارم ولی همیشه آرزو داشتم که خداوند فرزند سالمی به ما عطا کند که در آینده فرد مفیدی برای جامعه باشد ما از زندگی خود راضی بودیم البته مشکلات مالی زیادی داشتیم ولی در عوض آرامش، صفا و صمیمیت بر خانواده ما حکمفرما بود. مراقب بودم که در ایام بارداری ضربه ای به او نخورد از غذایی که توسط شوهرم فراهم می شد استفاده کنم ذکرهای وارده را زیاد تکرار کنم. زمانیکه نوزاد متولد شد و پسر بود پدرش با توجه به ارداتی که به مولای متقیان علی (ع) داشتند نام او را علی گذاشت و من هم دخالتی نکردم. دوران کودکی او به سختی برای ما سپری شد زیرا در روستای ما وضعیت معیشتی بسیار پایین بود مردم بیشتر به کارهای کشاورزی می پرداختند قبل از رفتن به مدرسه در مکتبخانه قرآن را آموخت و با نماز و روزه آشنا شد و به مدرسه هم علاقه داشت او را به مدرسه فرستادیم، اما وضعیت ما خوب نبود که بتواند ادامه دهد. رفتارش با ما برادران و خواهران و دوستانش بسیار خوب بود وی تا کلاس ششم نظام قدیم درس را ادامه داد ولی به علت گرفتاری و وضعیت بد معیشتی نتوانست ادامه تحصیل دهد پس مدرسه را ترک کرد و همواره با پدرش به کار و کشاورزی مشغول شد. زمانیکه هم فراغتی پیدا می کرد در کارهای خانه به ما کمک می کرد و در مراسمات مذهبی اعم از روضه خوانی و دیگر مراسمات مذهبی شرکت می نمود رابطه اش با خویشاوندان و دوستان چنان نزدیک و صمیمی بود که همیشه دوستانش به دیدنش می آمدند و یا او از آنان سرکشی می کرد در هنگام تظاهرات و مبارزات ملت قهرمان ایران علیه رژیم شاهنشاهی همیشه پیش قدم بود و با توجه به سوادش که داشت اعلامیه های حضرت امام را جمع آوری می کرد و در بین مردم پخش می نمود به روحانیت عشق و علاقه خاصی داشت آنان را وارثان پیامبر و امام (ع) می دانست و عامل نجات انسان و کشور را در اطاعت از آنان می دانست به همه کسانی که به نحوی به اسلام خدمت می کردند علاقه داشت. در زمان اوج تبلیغات منافقین و گر.هکهای کور دل از آنها حمایت نکرد بارها با آنها درگیر شده بود. از زمانیکه دشمنان بعثی به سرکردگی عوامل غرب و شرق به کشور عزیز ما ایران حمله کرد او دوست داشت که به جبهه برود و در این راه به جنگ علیه دشمنان پردازد و دفاع در برابر دشمن را وظیفه هر فرد مسلمان می

دانست از خصوصیات بارز اخلاق او می توان شجاعت، صداقت، امانت داری، وفای به عهد، کمک به مستمندان و خوش خلقی، معاشرت با بستگان و آشنایان و غیرو نام برد ایشان نسبت به رعایت بیت المال مسلمین بسیار حساس بود و دوست نداشت که بیت المال تاراج شود و اجبات را در حد بالایی انجام می داد و نسبت به ترک محرمات بسیار جدی بود در نمازهای جماعت و جمعه شرکت می کرد و دیگران را هم تشویق به شرکت در آنها می کرد او دوست دار اهل بیت بود و در مراسمات روضه خوانی و مذهبی شرکت می کرد در شبهای عاشورا و تاسوعا تا صبح به عزاداری می پرداخت و همچنین شبهای قدر تا صبح به راز و نیاز با خدا به سر می برد. گاهی اوقات مدتها صورت خود را به خاک می گذاشت و از او طلب مغفرت می کرد زیاد قرآن می خواند و کمتر حرف می زد. او از رفتن به سربازی معاف شده بود. بعد از اینکه رفتن به سربازی معاف شد تصمیم به ازدواج گرفت و با مشورت پدر و مادرش همسر مورد نظرش را انتخاب کرد او در انتخاب همسرش به حفظ حجاب اسلامی و رعایت مسائل شرعی بسیار توجه داشت او دوست داشت که همسر آینده اش از خانواده ای نجیب و با تقوی و متدین باشد زمانیکه ازدواج نمود به علت نبود جا و کوچکی منزل پدرش تصمیم به زندگی مستقل نمود و به همین خاطر از پدر و مادرش جدا شد ولی مرتب از آنها سرکشی می کرد. رابطه اش با همسر و بچه هایش بسیار خوب بود و در زندگی و کارها با آنان مشورت می کرد حتی در کارهای منزل به آنها کمک می کرد. دل بستگی به دنیا نداشت دنیا را وسیله ای برای گذر از آن و رسیدن به خدا و جهان باقی می دانست. او علاقه زیادی به رفتن به جبهه داشت ولی باتوجه باینکه ایشان در بندر استراتژیک بوشهر و نیروگاه اتمی مشغول انجام وظیفه بود آنجا را هم جبهه می دانست و بالاخره هم به شهادت رسید. ما خوشحالیم که یکی از اعضای خانواده ما در راه اسلام و میهن به شهادت رسیده بلی بعد از سه روز از شهادتش او را بطور باشکوهی تشییع کردند و در گلزار شهدای روستا به خاک سپردند. ما

افتخار می کنیم که به ما خانواده شهید می گویند اگر ما لیاقت آن را داشته باشیم چون همه از خدائیم و بازگشت ما به سوی اوست . از مسئولین می خواهیم که رهبر را تنها نگذارند . نگذارند که پیش کسوتان شهادت از زندگی دلسرد شوند .



سامانہ جامع سرداران و دوحہ ششمیہ استان بوٹھر